

حج به مثابه راهبرد عملی تحقق حقوق بشر؛ با تأکید بر رویکرد امامین انقلاب

محسن قائمی خرق^۱

چکیده

حج آمیزه‌ای از عبادت و سیاست است و این دو بیگانه از دانش حقوق بشر و نیز زمینه‌سازی برای تکوین و تحقق حق‌های عامه و بشری نیست. گرچه برخی فهم‌های تک‌ساحتی و ناعمیق، حج را به حوزه‌ای فردی و منحصرأً عبادی فهم کرده و همان مبنا را در عرصه عمل و تنظیم‌گری حج، ملاک عمل قرار داده‌اند، ولی منظومه فکری امامین انقلاب در نقطه مقابل این فهم قرار دارد. مسئله اصلی این نوشتار توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، تضایف (تأثیر و تأثر) حج و حقوق بشر با تکیه بر اندیشه امام خمینی علیه السلام و امام خامنه‌ای است. نقطه کانونی در اندیشه این دو فقیه حاکم از فهم ناصحیح حج و غیراصیل، یعنی حج منسلخ از حق‌های بشری، به دور است. در این اندیشه مفاهیم و گزاره‌های حقوقی، از جمله ارتقای سطح مدنیت، وحدت امت اسلامی، شکل‌گیری حوزه عمومی و خرد جمعی، آزادی بیان و اجتماعات، الغای تمییز میان ابناء بشر، عدالت بین‌نسلی و رویکرد پایدار و فرامرزی و توسعه همزیستی مسالمت‌آمیز قابل پی‌جویی در حج حقیقی است و حج بیگانه از این مفاهیم، حج نیست.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی تهران و استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم.

کلیدواژه‌ها:

حج، حقوق و آزادی‌های بشری، امامین انقلاب، آزادی بیان، حقوق همبستگی

مقدمه

حج بر پایه طبیعت مندرج برای آن در منابع دینی (وفود الی الله) و نگاه بلند امامین انقلاب، «فراتر از یک سفراست؛ مسئله یک مسئله جهانی، یک مسئله بین‌المللی و یک مسئله تمدنی در معارف اسلامی است». بر این اساس حج از حیث تقسیم‌بندی مقوله‌ای فردی نیست، بلکه دارای چنان اثری است که اگر حج وجود نداشته باشد و تحقق پیدا نکند، امت و جامعه اسلامی فرو خواهد پاشید؛ به همین دلیل فقها می‌گویند که حج گاهی واجب کفایی است.^۱

گرچه پیامبر خدا ﷺ فرموده‌اند: «زمانی می‌رسد که ثروتمندان امت من برای تفریح، مردم عادی برای تجارت، قاریان آنها برای خودنمایی و کسب عنوان و اعتبار و فقرای امت من برای تکدی و گدایی حج می‌گزارند». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۳۴۹) ولی توجه به تأثیر این پدیده بی‌نظیر در منافع عمومی و حق‌های بشری می‌تواند حج را به فلسفه و منزلت اصلی خود بازگرداند و همین ترابط میان «حج» و «حقوق بشر» می‌تواند تفسیری از مناهمی موجود در گزاره تحذیری امیر مؤمنان علیه السلام باشد که می‌فرمایند: «از خدا بترسید درباره خانه پروردگارتان (مکه معظمه). آن را خالی نگذارید تا زنده هستید که اگر رها شود، (از کیفر الهی) مهلت داده نمی‌شوید». (سیدرضی، ۱۴۱۴، ص ۳۶۲). همچنین امام صادق علیه السلام نیز فرموده‌اند: «در صورتی که شیعیان حج را ترک کنند، همگی هلاک شوند». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۹ و ۲۸).

مبتنی بر مقدمه طرح شده، مسئله این نوشتار اثرسنجی حج بر تحقق حق‌های بشری و آزادی‌های عمومی (چه در کشورهای اسلامی و چه غیر آن) و نیز تحلیل ماهیت

۱. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۴۰۲/۲/۲۷

حج در پرتو گزاره‌های حقوق بشری است. در واقع طبق آیه شریفه ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾^۱ (حج: ۲۸)، اطلاق لفظ منافع شامل هر نوع منافع (اعم از تجاری، سیاسی و اجتماعی) و هر نوع آداب و رسوم و عادات و انواع تعاون و مشارکت‌های اجتماعی و مانند آن می‌شود. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۳۶۹؛ جلالین، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۳۸)

پیشرانگی حج در حوزه حقوق بشر نیز در زمره همین منافع است. چنان‌که رهبری معظم می‌فرماید:

آن منافع شامل منافع مادی هم هست؛ اما بیش از این منافع معنوی است، منافع رفتاری است، منافع اخلاقی است، یاد دادن سبک زندگی است...، [یک جا] هم تعلیم همزیستی است.^۲

در واقع جعل در این آیه جعل تشریحی و تضمین‌گر همه نوع مصالح دینی و دنیوی مردم است. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۹، ص ۲۴۱؛ کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۳۲۷؛ دخیل، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۶۲). بنا بر دیدگاه امامین انقلاب اولاً این منافع، گستره وسیعی را در برداشته و مشتمل بر حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و... می‌شود؛ مثلاً امام خمینی علیه السلام در خصوص ویژگی نخست می‌فرماید: «به ابراهیم خلیل الله خطاب می‌شود که مردم را به حج بخوان تا برای شهود منافع خود از همه اقطار بیایند. این منافع جامعه است: منافع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی بیایند». ^۳ ثانیاً طبیعت این حقوق (منافع) به نحوی است که تنها از طریق حج می‌توان به آنها دست یافت. امام خامنه‌ای در خصوص ویژگی دوم می‌فرماید: «امت اسلامی در حج منافع می‌برد که با هیچ عامل دیگری این منفعت قابل استیفا نیست؛ جز با حج، جز با این

۱. «تا (در آنجا) بر سر منافع (دنیوی و اخروی بسیار) خود حضور یابند».

۲. نک: بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱/۳/۱۸.

۳. پیام امام خمینی علیه السلام به مسلمانان ایران و جهان به مناسبت ایام حج (۹ تذکره زائران)، ۱۲ شهریور

میقات بین المللی [ممکن نیست]؛ فقط با این میعاد جهانی ممکن است».^۱

در ادامه تبیین مسئله تحقیق، باید توجه داشت که گستره تأثیر حج در حقوق مختلف بشر، محدود به عناوین مطرح در این نوشتار نیست؛ چنان که حق بر فضای آرام و منظرزیبا و بر عدالت بین النسل‌ی زیست محیطی نیز در حج نمایان است. اما نویسندگان در این نوشتار به دلیل محدودیت‌های کمی تنها به تفصیل اساسی‌ترین مباحث خواهد پرداخت و شایان ذکر است که طیف ارتباط میان حج و حق‌های بشری در رویکرد امامین انقلاب، حقوق دیگری از جمله حق تعیین سرنوشت جمعی، حق بر کرامت، حقوق اقلیت‌ها، حق بردانستن حقیقت و الغای بردگی و نفی سلطه‌پذیری را نیز دربردارد که بر شمارش این مصادیق در کلام این دو اندیشمند، افزون بر پشتوانگی فقهی و روایی، مبتنی بر بنیادهای تفسیر قرآن و دارای وجه حکمرانانه داخلی بین المللی و جنبه اجتماعی است.

اهمیت و ضرورت این نوشتار نیز در بیان امامین انقلاب طرح شده است؛ از جمله «شناسایی فلسفه حج»، «فرهنگ سازی در حوزه حج حقیقی و ابراهیمی» و تهیه سند پشتیبان برای عملی شدن دو کارویژه «به جا آوردن حج واقعی» و «شناساندن ظرفیت‌های حج». از دیگر سو، تحلیل این موضوع، به نحوی ابطال این ادعا خواهد بود که اسلام در مقابل حقوق بشر و مدنیت قرار دارد.

در خصوص پیشینه تحقیق نیز گفتنی است که عمده آثار مکتوب بر اسرار سیاسی حج متمرکز شده و تاکنون نسبت حج با توسعه حقوق بشر، دستمایه اثر علمی واقع نشده است. البته نسبت به حقوق و آزادی‌های عمومی (قسمت دوم نوشتار)، آثاری با تمرکز بر حوزه حقوق بشر و حج به رشته تحریر درآمده است، از جمله «حج و حقوق بشر» (راعی، ۱۳۹۵)، ولی این نوشته‌ها بی آنکه به موضع امامین انقلاب تمرکز کنند، تنها

۱. بیانات در تاریخ ۱۴۰۲/۲/۲۷.

به برشماری مختصری از حقوق زائران بیت الله الحرام پرداخته‌اند و به کارکرد حج در توسعه و تحقق حقوق بشر پرداخته‌اند و در واقع تفاوت آن آثار با اثر حاضر همان تفکیک میان «حقوق حاجیان در حج» با «تأثیر حج در تحقق حق‌ها» نمایان است.

در خصوص قلمرو تحقیق نیز لازم به ذکر است که نویسنده در این نوشتار به بررسی موضوع در پرتو «نامه‌ها و پیام‌های امامین انقلاب به حجاج و دیدارهای ایشان با کارگزاران حج» خواهد پرداخت و این به معنای فروکاستن نقش امامین انقلاب در توسعه ادبیات و تحقق حقوق بشر و نادیده‌انگاری ادبیات موجود در سایر مکتوبات و بیانات ایشان در این خصوص نخواهد بود. البته در برخی موارد به این منابع نیز مراجعه شده و سعی بر آن بوده که رویکرد ایشان به صورت جامع در اثر استقرای تمامی مواضع ایشان به دست آید. ساختار این نوشتار بدین صورت است که با تمرکز بر «کیفیت راهبردی حج در ساحت حقوق بشر»، در هر قسمت ظرفیت‌های حج نسبت به مسائل مختلف حقوق بشر بحث خواهد شد.

۱. راهبرد حج در فعلیت بخشیدن به «آزادی بیان سیاسی»

آزادی بیان ریشه در نیاز ویژه برای حمایت در برابر انتقاد از قدرت دارد (BVerfGE 93, 266/293) و بدان معناست که شخص در مقام بیان دیدگاه‌ها و اندیشه‌های خود آزاد باشد. فلسفه شناسایی چنین حقی، امکان مشارکت همگانی در تصمیم‌سازی‌های اجتماعی و نیز آفرینش جامعه‌ای با ثبات و رو به جلو است. خصلت اساسی چنین حقی، تقویت ایده‌ها (Schauer, 1982, 22)، حمایت از کرامت انسانی (Baker, c.edwin, 1978, 946)، توسعه دموکراسی (Cass, 1987, 14) و شناساندن حقیقت (Smolla, 2011, 12) است. در این عبارت مراد از بیان، هر شیوه‌ای است که انسان‌ها با توسل بدان اندیشه و دیدگاه خود را به دیگران منتقل می‌کنند؛ خواه آن اندیشه سیاسی، اجتماعی یا هنری باشد. (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۳؛ فرومن، ۱۳۸۳، ص ۱۹۰)

از منظر هنجارهای موضوعه بین‌المللی، ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ میلادی و نیز ماده ۱۹ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ میلادی به این حق تصریح کرده‌اند. طبق این بند آزادی بیان، خصوصاً سیاسی که به نحوی جزو مقتضای ذات این حق به شمار می‌آید، محدود به مکان یا زمان خاصی غیر از حج و موافق آن نبوده و در این زمان و مکان نیز می‌تواند بروز عملی بیابد. این در حالی است که در طول تاریخ این حق با ممانعت از سوی دولت عربستان و به خون‌کشاندن تجمعات برائت از مشرکان به دست نیروهای نظامی عربستان مواجه بوده است.

مراسم برائت از مشرکان از طرف حج‌گزاران ایرانی و برخی کشورهای دیگر ابتدا به صورت راهپیمایی آرام و بعد به شکل راهپیمایی اعتراضی نمود داشته و با فریاد و سردادن شعارهایی با مضمون بیزاری از شرک و طاغوت‌های زمان و دعوت مسلمانان به اتحاد و برادری تجلی داشته است. اما با وجود هماهنگی میان دولت‌های ایران و عربستان (رمضانی، ۱۳۸۰، ص ۸۸، ۸۹)، افزون بر بدعت شمردن این آیین آزادی بیان از سوی وهابیت (اخوان کاظمی، ۱۳۷۳، ص ۳۴) و فردی دانستن حج و اعلام جرم علیه اجتماع مسلمانان از سوی پادشاه عربستان (ملک خالد بن عبدالعزیز) احتمالاتی از سوی نیروهای سعودی به حجاج در سال ۱۳۶۰ و ۱۳۶۶ شمسی صورت گرفت. خصوصاً در سال ۱۳۶۶ شمسی که بیش از پانصد تن از حجاج بی‌دفاع ایرانی و غیرایرانی شهید و حدود هفتصد تن زخمی شدند. (قحطانی، ۱۹۸۸، ص ۲۹؛ تقی، ۱۳۶۷، ص ۴۰) بعد از آن نیز این مراسم با سختی‌ها و محدودیت‌های وضع شده از سوی دولت عربستان در اطراف بعثه مقام معظم رهبری برگزار شد. این در حالی است که ابراز برائت در این مراسم در قالب شعارهایی مانند «مرگ بر اسرائیل»، «مرگ بر آمریکا»، «یا ایها المسلمون اتحدوا اتحدوا» و «تفرقه و اختلاف پیروی از شیطان است» و تکبیر بعد از قرائت یک

قطعه‌نامه است. (جعفریان و خسروی، ۱۳۷۱، ص ۲۸) با وجود این حتی راهپیمایی آرام در شکلی که در سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی در اعلام برائت از مشرکین انجام می‌شده نیز شامل حمایت قواعد حقوق بشر است و به طور کلی از حیث شکلی هر چیزی، از جمله نشان دادن تصویر و حتی اقدام عملی که بتوان به وسیله آن ایده و پیامی را منتقل کرد، مشمول آزادی بیان شده است.^۱ (Cover, 1983, 8)

به نظر می‌رسد مراسم برائت از مشرکان کارکرد والای آزادی بیان را در بالاترین شکل خود به همراه دارد؛ از آن جمله: این امکان را می‌دهد که از نقض حقوق بشر در ساحت‌های گوناگون صرف نظر شود. (Beitz, 2009, 105) همچنین این رویداد جهانی دارای این قدرت است که سایر حجاج و نیز شهروندان کشورهای مختلف اسلامی و غیر اسلامی را از یک موضوع آگاه و مطلبی را به بخشی از گفتمان جهانی تبدیل و به نقطه آغازی برای همبستگی میان بخش‌های مختلف جامعه جهانی تبدیل کند؛ همان‌طور که جهان‌وطنی در قالب نگرانی جهانی برای خطرات و تهدیدها پیش‌فرض یک دیدگاه جهانشمول از آزادی بیان به عنوان یک حق بشری است. (Beck and Sznajder, 2010, 61)

با توجه به مقدمه توضیحی فوق‌مقام معظم رهبری درباره حق آزادی بیان در حج می‌فرمایند:

اما حج این است: یک ظرفیت بی‌ظنیر معنوی، در کنار یک ظرفیت بی‌ظنیر اجتماعی و جایی برای ابراز عقیده و بیان موضع امت اسلامی... در حج، امت اسلامی می‌تواند مواضع صحیح و مورد اتفاق و قبول خود را بیان کند... اینجا جای ابراز موضع است... کجا امت اسلامی بهتر از بیت‌الله‌الحرام و مکه و مدینه و عرفات و مشعر و منا پیدا می‌کند برای اینکه اظهار کند که ملت‌ها درباره فلسطین و درباره مسجد‌الأقصی چه می‌گویند و چه می‌خواهند و چه جور فکر می‌کنند؟ کجا بهتر از اینجا؟ حج یک چنین

1. See: brown v. Entm't merchs. Ass'n, 2011.

ظرفیتی دارد. در مورد دخالت های آمریکا، در مورد حضور شرارت آمیز آمریکا در کشورهای اسلامی و در منطقه ما و راه انداختن این جریان های تکفیری و تروریستی و مانند اینها... جای اظهار موضع نسبت به اینها کجاست؟ حج بهترین جاست برای اینکه امت اسلامی همه از همه کشورها بتوانند ابراز موضع کنند، ابراز عقیده کنند^۱

در نظر امام خمینی علیه السلام چنانچه حج از این گونه آزادی بیان تهی باشد، صورتی بی معنا بوده و اساساً حج نیست:

اگر ما حج برویم و مصالح مسلمین را در نظر نگیریم، بلکه برخلاف مصالح مسلمین هی روی جنایت ها پرده بپوشیم، نگذاریم مسلمین صحبت بکنند از جنایت هایی که بر مسلمین می گذرد و جنایت هایی که از حکومت ها و از قدرت های بزرگ بر مسلمین می گذرد، مایک صحبت بکنیم، این حج نیست؛ این یک صورت بی معناست.^۲

در این نگاه مسمای حج بسته به روح و هدف شارع در حل مشکلات مسلمین است که در نبود این مسمای روح، تنها کالبدی بی جان از حج برجامانده که با توجه به دوران اسماء بر مسمیات، شایسته نامیدن این افعال و مناسک به حج نیز نخواهد بود. امام این نسبت تعلیلی میان «حج» و «قیام ناس» برای حل مشکلات را چنین تبیین می کند: این سفر حج و این حج برای این مسائل بوده است، برای قیام ناس بوده است، برای این بوده است که مسلمین مشکلات مسلمین را درک کنند و در رفعش کوشش کنند، برای این بوده است که بین مسلمین اخوت و مودت پیدا بشود.^۳

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان حج، ۱۳۹۶/۵/۸.

۲. سخنرانی امام علیه السلام در جمع روحانیان کاروان های حج و مسئولان وزارت ارشاد، ۱۳۶۲/۵/۲۵.

۳. سخنرانی امام علیه السلام در جمع روحانیان کاروان های حج و مسئولان وزارت ارشاد، ۱۳۶۲/۵/۲۵.

همین رویکرد در نظر امام خامنه‌ای نیز یافتنی است که آزادی بیان را «طبیعت حج و روح حج و بخشی از مهم‌ترین هدف‌های حج»^۱ دانسته‌اند.

۲. حج و «حق برابری و الغای تبعیض میان ابنای بشر»

قرآن کریم [می‌فرماید]: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾^۲ و آیتی مانند این در روایات و در کلمات بزرگان اسلام [هم] که این حرف‌ها پُر است؛ اما در عمل، اسلام زبان رفع تمایزش زبان عملی است؛ کجا؟ در حج؛ سیاه هست، سفید هست، از فلان نقطه دنیا هست، از فلان تمدن هست، از فلان تاریخ هست، همه در کنار هم هستند، بدون هیچ تمایزی؛ هیچ تمایزی با همدیگر ندارند؛ با هم راه می‌روند، با هم طواف می‌کنند، با هم سعی می‌کنند، با هم وقوف می‌کنند. اینها خیلی مهم است. اینها از اسرار حج است؛ اینها را بایستی با معرفت انجام داد.^۳

در حقیقت در این مناسک، همگان فارغ از هر مذهب، ملیت، نژاد، رنگ و هر عامل منتج به اختلاف و چنددستگی، جملگی در یک قطعه لباس سفید در کنگره حج گرد هم جمع می‌شوند. بنابراین مشاهده «برابری اجتماعی» در حج و نبود هیچ عامل متمایزکننده، حتی در ظاهر به ناخودآگاه، محرم را به سمت همدلی با سایرین می‌کشاند. در واقع حج با ایجاد یکسانی در مناسک، رفتار و پوشش می‌کوشد بر تشابهات بین افراد و زمینه‌های ارتباطی بیفزاید که در اثر آن زمینه‌های سوء تفاهم و اختلاف کاهش می‌یابد و هرگونه تبعیض مبتنی بر عوامل غیراصیل حذف خواهد شد. در واقع حج «با یکسانی آحاد حج‌گزار و نبود تمایز که نشانه برداشتن تبعیض‌ها و همگانی کردن فرصت‌هاست، مجموعه‌ای از پایه‌های اصلی جامعه اسلامی را در

۱. پیام مقام معظم رهبری به حجاج، ۱۳۹۹/۵/۷.

۲. «به حقیقت مؤمنان همه برادر یکدیگرند». (حجرات: ۱۰)

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان حج در تاریخ ۱۴۰۲/۲/۲۷.

نمایی کوچک نشان می‌دهد.... به معنای بیزاری از نژادپرستی و تبعیض بر اساس جغرافیا و نژاد و رنگ پوست...»^۱.

۳. حج و پیش‌برندگی «حقوق همبستگی»

به‌کارگیری مفهوم حق نسل سوم (حق جمعی یا گروهی) بیشتر برخاسته از واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی جامعه جهانی است و با وجود برخی مخالفت‌ها، نسل سوم حقوق بشر^۲ یا حقوق همبستگی^۳ به عنوان نسلی جدید از حقوق بشر ارائه شده است (Weston, 1984, 266) که با عنوان حقوق جمعی نیز از آن یاد می‌شود. همچنان‌که نارسایی حقوق نسل‌های اول و دوم، وجود آن را ضروری ساخته و حتی ماهیتی فراتر از اخلاقیات و ارزش‌های جهانی برای این نسل از حقوق مسجل می‌سازد. کارل واساک^۴، نسل سوم حقوق بشر را مبتنی بر برادری یا همبستگی می‌داند که در برابر حقوق دارای ماهیت فردی مانند حقوق نسل اول و دوم حقوق بشر قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر این نسل از حقوق پاسخی به پدیده همبستگی متقابل جهانی است.

در خصوص نقش حج در تحقق اصل برادری که مشخصه اساسی نسل سوم حقوق بشر است، امام علیه السلام می‌فرماید:

نکته سیاسی این اجتماع این است که اولاً خودشان مطلع بشوند از حالات هم، تفاهم کنند با هم، برادر باشند با هم، برادری کنند با هم و مسائل بلاد خودشان، ممالک خودشان را طرح کنند در آنجا و چاره‌جویی کنند برای مسائل خودشان. ما اگر همین حج را به آن معنایی که روح حج اقتضا می‌کند عمل می‌کردیم، این گرفتاری‌های زیادی که برای مسلمان‌ها پیش

۱. پیام مقام معظم رهبری به حجاج، سال ۱۳۹۸ / ۵ / ۱۹.

2. Third Generation Human Rights

3. Solidarity Rights

4. Karel Vasak

آمده است، پیش نمی‌آید.^۱

ویژگی اصلی حقوق همبستگی آن است که صرفاً با کوشش و همکاری همه عوامل مؤثر، از جمله: افراد، دولت‌ها، انجمن‌های عمومی، خصوصی و جامعه بین‌المللی تحقق خواهد یافت و کنگره جهانی حج زمینه‌ای جدی و اساسی برای تحقق این حقوق است؛ همچنان‌که لازمه حقوق همبستگی آن است که این حقوق به صورت مشترک اعمال شوند نه فردی (Dinstein, 1976, 102103) و بنا بر برخی آرای دانشمندان حقوق بین‌الملل، حقوق جمعی را جز از طریق توافق اراده‌های جمعی و بسیار زیاد، نمی‌توان اعمال کرد. (Rivero, 1978, 29) امام علیه السلام در خصوص جلب همکاری‌ها و مساعدت‌های بین‌المللی درباره حل مشکلات داخلی کشورها از طریق حج می‌فرماید:

در این مجمع عمومی اگر مسلمین قدر بدانند، حل مسائلی که... از برای طوایف مسلمین است در آنجا باید بشود؛ مثلاً اگر مسلمین ایران بروند در آنجا و مسائلشان را برای مردم دیگر بگویند، بر مسلمین دیگر لازم است که در این مسائل و مشکلات با اینها همراهی بکنند.^۲

نمونه این رویکرد فرانسلی و پایدار در روایتی دیده می‌شود که مقام معظم رهبری درباره مناسبت و جوب حج آن را تفسیر کرده‌اند:

«وَلَوْ كَانَ كُلُّ قَوْمٍ أُمَّةً يَتَّبِعُونَ عَلَىٰ بِلَادِهِمْ وَمَا فِيهَا»؛ اگر قرار باشد که هر جمعیتی، هر ملتی فقط به خودشان، به مسائل کشور خودشان، به مسائل شهر خودشان بپردازند، به آنها فقط تکیه کنند و اهمیت بدهند، «هَلْكَوَا»، «از بین می‌روند...». «وَحَزَبَتِ الْبِلَادِ». همان کشور خودتان، منطقه مورد نظر خودتان هم نابود می‌شود، خراب می‌شود. «وَسَقَطَتِ الْجَلْبُ وَالْأَرْبَاحُ». «جَلْبُ» یعنی درآمد، درآمدهای ملی تان هم کاهش پیدا می‌کند. باید بدانید

۱. سخنرانی امام خمینی علیه السلام در جمع خطیبان مذهبی در آستانه ماه محرم، ۱۴/۸/۱۳۵۹.

۲. سخنرانی امام در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره ابعاد سیاسی و عبادی اسلام، ۲۰/۸/۱۳۵۷.

دنیا چه خبر است. «وَعَمِيَّتِ الْأَخْبَارُ». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۱۴)؛ «از دنیا بی خبر می مانید». باید نگاه کنید به دنیا، ببینید دنیا چه خبر است.^۱

امت اسلام نیز به نحوی رساننده این مفهوم است که مسلمان به عنوان عضوی از یک گروه، که دارای روح همبستگی است، تلقی می شود و به نظر می رسد «همبستگی» از آنجایی که اصل اساسی و روح حاکم بر این نسل است، تعهداتی مثبت^۲ نیز در جهت همکاری های بین المللی و بین ملل اسلامی برای تحقق حقوق همبستگی در پی داشته باشد.

مقام معظم رهبری در خصوص حقوق همبستگی و حق بر همزیستی مسالمت آمیز از رهگذر حج می فرمایند:

افرادی که با هم هیچ آشنایی ای ندارند، با فرهنگ های مختلف، از جاهای مختلف، رنگ مختلف، زبان مختلف اینجا با همدیگر باید همزیستی کنند. «فَلَا رَفْتٌ وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالٌ فِي الْحَجِّ»^۳ (بقره: ۱۹۷)؛ یعنی هیچ حق ندارید با هم درگیری پیدا کنید، مشکل پیدا کنید؛ [باید] همزیستی [کنید]... الآن مشکلات بشر، نه فقط مشکلات مسلمان ها، در دنیا از چیست؟ از این است که همزیستی بلد نیستند، به همدیگر زور می گویند، از همدیگر بدگویی می کنند، جای همدیگر را تنگ می کنند، به همدیگر ضربه می زنند. حج همزیستی را یاد می دهد. در یک برهه محدودی یک نمونه ای از همزیستی را به شما نشان می دهد، می گوید این جور باید زندگی کنید.^۴

از جمله اقسام حقوق نسل سوم بشر حق بر صلح است. برقراری آرامش و صلح و

۱. بیانات مقام معظم رهبری با مسئولان برگزار حج، ۱۴۰۲/۲/۲۷.

2. Positive/Affirmative Obligations

۳. «در حج آمیزش با زنان و گناه و جدال [جایز] نیست».

۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان حج در تاریخ (۱۴۰۱/۳/۱۸)

عدم خشونت امری مقدس و لازمه کرامت و شأن انسانی و حقیقتی غیر قابل انکار است که از دیرباز تاکنون همواره آرزوی دیرینه بشر بوده و از ابتدایی ترین اصول نظام حقوقی و همچنین ارزش های پایه ای جامعه جهانی است که عدم رعایت این امر مهم به معنای زیر پا گذاشتن کرامت ذاتی بشر و به تبع آن سایر مصادیق حقوق بشر است.» (اکبرپور، ۱۴۰۰، ص ۶) در این میان آموزه های حج، که پیام آور صلح و نوع دوستی است، می تواند کمک شایانی به شکل گیری گفتمان صلح و دیپلماسی برای صلح جهانی داشته باشد. (هاشمی، ۱۴۰۰، ص ۱۳۲)

در نظر امام خامنه ای امت اسلامی به جهت طبیعی و نیز جهانشمولی اسلام، اساساً در معرض «تنازع» قرار دارد. ولی در بطن همین مکتب، حج به مثابه راهبردی برای بروز نیافتن این تنازع دیده شده است:

امت اسلامی با تکثر قومیت ها و نژادها مناطق عالم و فرهنگ ها و عادت ها و سلیقه ها، به طور طبیعی در معرض شکاف ها و جدایی هایی هست؛ چون خداوند متعال اسلام را برای یک نژاد خاص، برای یک فرهنگ خاص، برای یک منطقه خاص از دنیا که نیاورد، ... این اختلاف بایستی بروز نکند، بایستی تحقق و فعلیت پیدا نکند. حج آن فرصت بزرگی است برای امت اسلامی که التیام خود را پس از جدایی های طبیعی و احیاناً جدایی های مصنوعی و تحمیلی، بار دیگر برای خودش تأمین کند.^۱

حج به عنوان جمعیتی ترین حکم اسلامی تجسمی از روح اتحاد و وحدت خواهی دین مبین اسلام است (عسکری و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۰۸) و حق بر صلح در آن از ابعاد مختلفی قابل پی جویی است:

مورد نخست از حیث نزاع های برخاسته از ملیت، نژاد، زبان و تنوع فرهنگی است. در این خصوص مقام معظم رهبری با بیان اینکه «حج» تمامی موانع متمرکز بر عوامل

۱. بیانات در دیدار با کارگزاران حج سال ۱۳۸۷/۸/۱۵.

پیشین را از حیث کارکردی بی اثر کرده، می فرمایند که حج نمودی از «وحدت» است و باید «ملت های مسلمان یکدیگر را نه از راه معرفی فتنه انگیز دشمن، بلکه از راه ارتباط و گفت و گو و رفت و آمد بشناسند؛ از امکانات و ظرفیت های یکدیگر آگاه شوند و برای بهره برداری از آن برنامه ریزی کنند»^۱ و به سه اصل «حُسن ظن و مدارا و انصاف» باور داشته و با مشترکات یکدیگر آشنا شده و آن را نقطه کانونی قرار دهند و درس تمرکز بر مشترکات و رفع اختلافات را فرا بگیرند.^۲ به هر روی در این ایام، حج نمایش نمادین زیست جامعه اسلامی است؛ جامعه ای که در آن همزیستی مؤمنان در حرکتی پیوسته برگرد محور توحید، برترین نشانه است؛ دوری از تنازع و تعارض... شرط لازم است.^۳

مورد دوم نیز «نفی تکفیر» است. چه آنکه «در اینجا حتی جدال و درشت گویی با دیگران ممنوع است» و «پوشش یکسان و اعمال یکسان و حرکات یکسان و رفتار مهربان در اینجا به معنای برابری و برادری همه آن کسانی است که به این کانون توحید معتقد و دل بسته اند. این رد صریح اسلام بر هر فکر و عقیده و دعوتی است که گروهی از مسلمانان و معتقدان به کعبه و توحید را از دایره اسلام بیرون بداند».^۴ همچنین پهنه حق بر صلح در حج به قدری است که افزون بر نبود جدال در گفتار، تنافر قلبی را نیز از میان برمی دارد:

۱. پیام معظم له به حجاج، سال ۱۴۰۲/۴/۶.

۲. پیام معظم له به حجاج، سال ۱۴۰۲/۴/۶. تأکید بر اصل حسن ظن در پیام های دیگری نیز یافت می شود؛ مثلاً می فرمایند: «اگر میان ملت های مسلمان و میان فرقه های اسلامی و اقوام مسلمان با یکدیگر محبت و حسن ظن و همدلی، جای بدگمانی و بدبینی را - که خواسته دشمنان است - بگیرد، بخش اعظم توطئه و تدبیر بدخواهان را خنثا خواهد کرد» (پیام مقام معظم رهبری به حجاج، ۱۳۸۸/۹/۵)

۳. پیام مقام معظم رهبری به حجاج، ۱۳۹۹/۵/۷.

۴. پیام مقام معظم رهبری به حجاج، ۱۳۹۳/۷/۸.

مراد از (لا جدال [فی الحج]) جدال با دشمن نیست؛ اتفاقاً حج مظهر جدال با دشمن است... آن جدالی که در حج نباید باشد، جدال برادران با یکدیگر است، جدال مؤمنین با یکدیگر است، جدال دل‌های معتقد به توحید با یکدیگر است؛... تنافر قلبی هم نداشته باشیم.^۱

حق بر صلح در حج از نتایج این تفکر راهبردی مستنتج از آیه شریفه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۲ است که بنا بر عبارت امام، «ما توجه نکردیم به دستورات اسلام که بین همه مسلمان‌ها عقد اخوت بسته است و همه را دعوت به اعتصام به حبل‌الله و پیروی از خط اسلام می‌فرماید»^۳ و در ستایش جایگاه آن، به روح حج تعبیر شده^۴ و این وحدت، در عبارت امام خامنه‌ای «امراسلام» و «عبادت» دانسته شده^۵ تا حق بر صلح ناشی از آن، هم «ضمان عبادی» بیابد و هم امری خواستنی و اسقاط‌پذیر نبوده و جنبه «تکلیف و مولوی» بیابد.

همان‌طور که ملاحظه شد برائت در حج، نه به معنای نفی همزیستی مسالمت‌آمیز و حقوق همبستگی، بلکه امری ذاتاً در راستای همین دو و مقابله با هرگونه مداخله در حاکمیت داخلی کشورهای مسلمان و نفی حق تعیین سرنوشت ملل مسلمان (همانند فلسطین) از سوی آمریکا و اسرائیل است.

در واقع از آثار حج در بستر حقوق همبستگی در اندیشه امامین انقلاب، نقش

۱. بیانات در دیدار با کارگزاران حج ۱۳۹۲/۶/۲۰. همچنین رک: پیام مقام معظم رهبری به حجاج، سال ۱۳۸۹/۸/۲۴.

۲. «و همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راه‌های متفرق نروید». (آل عمران: ۳)

۳. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۲۶ و ج ۱۹، ص ۲۰۲.

۴. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۲۸.

۵. «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید». (آل عمران: ۳)

پیشران حج در بازگشت به حقیقت مطلوب اسلام، یعنی نظام امت امامت^۱ و عدول از پذیرش ثانوی «مرزهای سرزمینی و تقسیمات مبتنی بر عناصر و مؤلفه های غیر مقبول در اسلام» است. در توضیح عبارت اخیر لازم است به تفاوت رویکرد فقه به «مرز به عنوان قلمرو نظام سیاسی (سرزمین به عنوان عنصر تشکیل دهنده حکومت)» و «مرز به عنوان امری انضباطی و اداری» توجه داشت. در حقیقت نگاه فقه به مفهوم نخست مرز، چه آن را به عنوان مفهومی مشروع بپذیرد یا به دلیل اقتضائات امروزه و از باب ثانوی بپذیرد، به آن دلیل است که تجاوز دیگر ملل یا دول را از آن مرزها منع کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۶۳) مفهوم دوم مرز (انضباطی و اداری) نیز به دلیل آنکه در روزگار فعلی، «حسن الولایه» (حکمرانی خوب) را محقق می سازد، مطلوب شارع است (کلینی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۴۰۷)؛ مشروط بر آنکه به تعدد خلافت و امامت و دولت خارج از ولایت امام نینجامد. (زرقانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۳) البته این تحلیل و پذیرش ثانوی مرز، هرگز به معنای تقدیم «ملت» بر «امت» نبوده و اساساً کارکرد حج در تکوین امت اسلامی و واقع نشدن غبار غفلت در اذهان مسلمین نسبت به آرمان امت اسلامی است. توضیح این گزاره بنیادین متوقف بر برخی مقدمات است.

درباره معنای امت اسلامی تعاریفی در بیانات مقام معظم رهبری یافت می شود که از جمله آنها بیان پیش روست:

امت اسلامی آنچنان که پیامبر گرامی اسلام و تعالیم قرآن طراح و برنامه ریز آن بوده اند، مجموعه ای از انسان ها هستند که از علم اخلاق، حکمت، روابط

۱. امت در آیه ۱۲۰ سوره نحل به معنای انسان کامل و الگودر باره حضرت خلیل الرحمان و در آیه ۲۲-۲۳ سوره مبارکه زخرف به معنای طریقه و آیین آمده است. ولی در بیشتر موارد به معنای جماعتی از پیروان یک دین و آیین آمده است که همگی هدف واحد دارند. (رک: بقره: ۱۲۸؛ آل عمران ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۱۳؛ نساء: ۴۱؛ مائده: ۴۸، ۶۶؛ انعام: ۴۲، ۹۲، ۱۰۸؛ اعراف: ۳۴، ۳۸، ۱۵۹، ۱۶۰؛ یونس: ۱۹، ۴۷، ۴۹؛ هود: ۱۱۸ و ...).

صحیح و اجتماع برخوردارند و از عدالت بهره مند و نتیجه همه اینها رسیدن انسان به اوج تکاملی است که استعداد آن را خدا در او نهاده است.^۱

در تعریفی دیگر می‌فرمایند: «دنیای اسلام به یک مجموعه انسانی اطلاق می‌شود که اعتقاد به توحید خالص دارد، به نفی عبودیت غیر خدا می‌پردازد، به استقرار عدل و اخلاق در بین انسان‌ها دعوت و اقدام می‌کند».^۲

همچنین ایشان می‌فرمایند:

همدلی اسلامی، مظهر واقعی همدلی و همزبانی در حج است؛ نه فقط برای ملت ایران، [بلکه] برای همه مسلمانان جهان؛ برای امت اسلامی. لعنت خدا بر آن کسانی که سعی کردند حقیقت امت اسلامی را، اهمیت امت اسلامی را از ذهن‌ها دور کنند؛ مسلمان‌ها را به اصناف گوناگون، به انگیزه‌های گوناگون تقسیم کنند؛ ملیت‌ها را در مقابل عظمت امت اسلامی بزرگ کنند؛ ملت را از هم جدا کنند. در حالی که امت اسلامی مهم است؛ عظمت متعلق به امت اسلامی است. خدای متعال رحمتش را بر امت اسلامی نازل می‌کند. حج مظهر تشکیل امت اسلامی است، مُشتی نمونه خروار. ﴿مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ (حج، ۲۹)؛ از همه جا و از راه‌های دور مسلمان‌ها جمع می‌شوند در کنار هم.^۳

مبتنی بر این بیان نگاه مسلمانان در این مجمع نیز بایستی نگاهی فراملی باشد. رهبری در این خصوص می‌فرمایند: «یک مسئله مهم در مورد حج، نگاه جهانی و فراسرزمینی آحاد مسلمان است؛... اسلام از آحاد مسلمان خواسته است که نگاهشان، نگاه فراسرزمینی باشد».^۴

۱. بیانات مقام معظم رهبری، تاریخ ۱۳/۶/۸۳.

۲. بیانات در تاریخ ۱۰/۱۰/۷۳.

۳. رک: بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان حج، ۳۱/۵/۱۳۹۴.

۴. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۲۷/۲/۱۴۰۲.

۴. حج به مثابه راهبرد حفظ و توسعه میراث مشترک بشریت

از جمله آموزه‌های حقوق بشری مطرح در تحلیل حج، احتساب حج به مثابه میراث مشترک بشریت در گزاره‌های فکری مقام معظم رهبری است. این تحلیل متکی به دلالت آیات قرآن و روایات است؛ از جمله این مصادر، آیه **﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ﴾**^۱ است که بر اساس آن حج، حقوقی متعلق به همه آحاد بشر و نه مؤمنین و مسلمانان است.

در روایات نیز آمده است که وقتی خداوند متعال به ابراهیم **﴿إِبْرَاهِيمَ﴾** وحی فرمود که مردم را دعوت کن، روی کوه ابوقبیس رفت و گفت: **﴿أَيُّهَا النَّاسُ﴾** (کلینی، ۱۴۳۰، ج ۴، ص ۲۰۵). با توجه به نبود قید زمانی در اختصاص این مخاطب به موجودین در زمان نزول آیه و به عبارتی «دعوت همه بشریت در طول تاریخ»، خداوند در یک ایام مشخص از زمان (که در سوره بقره **﴿آيَاتٍ مَّعْدُودَاتٍ﴾** (بقره: ۲۰۳) و در سوره حج **﴿آيَاتٍ مَّعْلُومَاتٍ﴾** (حج: ۲۸) ذکر شده است) و در یک نقطه خاصی از مکان، همه آحاد بشریت را دعوت کرده است. همچنان که مرحوم امام در این زمینه می‌فرمایند: «این یک مجمع عمومی است از همه طوایف مسلمین. یک دعوتی است از تمام طوایف که هر جوری هستند، در شرق اقصا هستند یا در غرب ابعَد هستند، هر جا می‌خواهند باشند؛ شمال، جنوب. هر جا در هر مملکتی که هستند، مردم دعوت شده‌اند، آن هم «ناس» دعوت شده است، نه اینکه فقط مسلمین».^۲

در حقوق بین‌الملل نیز سنن مذهبی و مراسمات آیینی دینی جزو فرهنگ و «میراث فرهنگی ناملموس» و نیز در زمره «میراث مشترک بشریت» به شمار آمده است؛ از جمله در مقدمه کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع مظاهر فرهنگی آمده است: «با آگاهی از اینکه تنوع فرهنگی، میراث مشترک انسان‌هاست و برای حفظ منافع عمومی باید به آن احترام

۱. «و در میان مردم به (ادای مناسک) حج اعلام کن». (حج: ۲۷)

۲. رک: به: بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ، ۱۴۰۲/۲/۲۷.

۳. سخنرانی امام در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره ابعاد سیاسی و عبادی اسلام، ۲۰ آبان ۱۳۵۷.

گذاشت». در اعلامیه اصول همکاری های بین المللی فرهنگی یونسکو (نوامبر ۱۹۶۶)^۱ نیز تمامی فرهنگ ها بخشی از میراث مشترک بشریت دانسته شده و در بند یک ماده ۱۱ این سند، بر لزوم رعایت اصولی همچون اصل برابری حاکمیت دولت ها و عدم مداخله در امور داخلی دولت ها به منظور تحقق همکاری ها و روابط فرهنگی تأکید شده است. نظیر همین مضامین در اعلامیه تنوع فرهنگی یونسکو (دوم نوامبر ۲۰۰۱) نیز تأکید شده و در ماده یک قطعنامه حقوق بشر و تنوع فرهنگی (۱۹ دسامبر ۲۰۱۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد)^۲، بر حفظ و توسعه میراث و سنن فرهنگی ملل در فضایی مملو از صلح، بردباری و احترام متقابل داخلی و بین المللی تأکید شده است. نظیر همین مقرر در قطعنامه حقوق بشر و تنوع فرهنگی مصوب سی و یکم اکتبر ۲۰۱۳ کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۳ آمده است.

حال با توجه به اینکه از یکسو «حج» ماهیتی متعلق به «ناس» و تأثیرناپذیر از گرایش های قومی، سیاسی، نژادی، رنگ، مذهب و عقیده است و از دیگر سو بایستی «تقنین بشری» با «تشریح الهی» همسو باشد، می توان به وجوب لحاظ اقتضائات این «اذن الهی به عموم» بر ذمه دولت متصدی حج باور داشت که ضرورتاً در مسائل مختلف، از جمله در تعیین سهمیه های حج، اثرگذار است.

در برابر ماهیت منافع ناشی از حج نیز به تمامی ملل و نحل بازمی گردد و گستره آثار آن محدود به مرزهای سرزمینی و دارالاسلام و امت اسلامی نخواهد بود. در این خصوص

1. UNESCO, 4 November 1966, Declaration of Principles of International Cultural Cooperation
2. G.A., 19 December 2011, UN Doc. A/RES/66/154, Human Rights and Cultural Diversity
3. G.A. (Third Committee), 31 October 2013, UN Doc. A/C.3/68/L.36, Human Rights and Cultural Diversity

مقام معظم رهبری با تفسیر کلمه «قیام» در آیه شریفه ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾^۱ به معنای غیر مصدری می فرماید:

قیام در اینجا به معنای «ما يَقُومُ بِهِ الشَّيْءُ» است؛ [یعنی] ستون. یک بنایی تکیه به یک ستون می کند... اینجا خدای متعال می گوید که حج ستون زندگی بشر است...، مال ناس است؛ مال من و شما و این و آن، چند نفر، تعداد یک نسل، یک جمعیت، یک مجموعه نیست؛ مال ناس است، مال بشریت است، قیام است برای بشر.^۲

این تحلیل درباره «گستره تأثیرپذیری منافع» مستظهر به روایاتی از جمله روایت امام رضا (علیه السلام) است که می فرماید: «... با منافی که حج برای تمام انسان ها، در شرق و غرب عالم در خشکی و در دریا، آنانی که حج می گذارند یا نمی گذارند، دارد».^۳ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۱۳).

افزون بر ماهیت حقوقی «مناسک حج» (مشمول بر اجزایی همچون مراسم براءت)، که در سطر پیشین گذشت، درباره «حرم» با وجود آنکه از منظر حقوق بین الملل نمی توان ماهیتی موضوعه مستقلی برای آن یافت، ولی از منظر فقهی اماکن مشرفه از مشترکات هستند و همه مسلمانان در بهره گیری از آنها برابرند (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۹۱؛ همچنین رک: مظاهری، ۱۳۸۹، ص ۸۵)؛ چه ساکن بلاد همان مشاهد باشند یا از بلاد دیگر به آنجا بیایند. (شریفی اشکوری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۵۵) به هر روی اصل تعلق مشاهد مشرفه به عموم مسلمانان باوری اجماعی میان فقهاست. (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۵۳۴؛ حلبی، ۱۴۱۴، ص ۱۴۵؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸، ص ۲۰۲). البته برخی فقها به صراحت

۱. «خداوند [زیارت] کعبه بیت الحرام را وسیله به پا داشتن [مصلح] مردم قرار داده». (مأئده: ۹۷)

۲. رک: بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱/۳/۱۸.

۳. «... مَعَ مَا فِي ذَلِكَ لِجَمِيعِ الْخَلْقِ مِنَ الْمَنَافِعِ لِجَمِيعِ مَنْ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا وَمَنْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ مَنْ يَحُجُّ وَيَمُنُّ لَمْ يَحُجَّ».

قائل به شخصیت حقوقی مستقل کعبه به سبب ترتب غایت عقلایی (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۳، ص ۴۳) شده‌اند که از حیث آثار حکمی، مشابه اثر مطرح شده در خصوص مشترکات انگاری حرم است. بر همین اساس:

۱. مردم تمامی ملل و نحل اسلامی در بهره‌برداری از آن نسبت به هم برابر هستند.
 ۲. در اشتراکات عامه، حکومت نمی‌تواند آن را به اقطاع بدهد؛ یعنی امتیاز بهره‌برداری از آن را به شخص خاصی اعطا کند؛ زیرا همه افراد نسبت به آن مساوی هستند و دادن امتیاز به کسی، دیگران را از آن محروم می‌کند (نجفی، ۱۳۶۷، ص ۱۰۳)؛ چون خداوند این مکان‌ها را به «اشتراک» گذاشته است.
- با توجه به توضیحات فوق شناسایی حق مالکیت عمومی نسبت به حرم در بیان امام خامنه‌ای (دیدار با مسئولان حج سال ۱۳۹۷) چنین مطرح شده است:

آن وقت وقتی که به آنجا آمدید، ﴿ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ﴾ (بقره: ۱۹۹)؛ اینجا هم بحث ناس است: ﴿سِوَاءَ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ﴾ (حج: ۲۵)؛ اهل مکه و غیر اهل مکه تفاوتی ندارند؛ اینجا مال همه است. این سرزمین متعلق به همه مسلمین است. نباید کسانی خیال کنند که این سرزمین مال آنهاست و آنها حق دارند هر جور دلشان می‌خواهد در آنجا رفتار بکنند؛ نخیر. همه مسلمان‌ها حق یکسانی دارند نسبت به کعبه شریف، نسبت به مسجد الحرام و نسبت به این موطن شریف و فضای مقدس حرمین شریفین.^۱

مبتنی بر همین تحلیل هویتی از حرم و مناسک حج، الزاماتی در حوزه تنظیم‌گری حج و حکمرانی بر حرم، بر دولت عربستان بار می‌شود؛ از جمله اینکه حاکمیت سرزمینی دولت عربستان بر منابع سرزمینی اش (فارغ از پذیرش یا عدم پذیرش این اصل درباره عربستان)، مقید به رعایت مصالح مسلمین و اصل برابری همگان در بهره‌برداری

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۸۷/۴/۲۵.

از آن شده است. در این خصوص مقام معظم رهبری فرموده‌اند:

یک نکته دیگر هم مسئله وظیفه دولت میزبان است؛ یک وظایف سنگینی بر عهده‌شان هست. مکه که مال آنها نیست! مکه مال همه آحاد مردم است: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ﴾. (آل عمران: ۹۶) برای مردم وضع شده؛ «سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ»؛ آنکه آنجا ساکن است و آنکه از بیرون می‌آید، همه با هم یکسانند؛ مال همه است؛ مال این دولت که نیست؛ حالا یک دولتی بالأخره در آنجا حاکمیت پیدا کرده و امور آنجا را به دست گرفته، باید برطبق مصلحت دنیای اسلام عمل کند، نه برطبق مصلحت خودش. این چیزهایی که نقل کردند از افزایش بعضی از هزینه‌ها و مانند اینها، اینها کارهایی است که باید تجدید نظر کنند. وانگهی امنیت زوار را باید حفظ کنند.^۱

۵. حج به مثابه یک «حوزه عمومی» در راهبری حق مشارکت در تعیین سرنوشت

سپهر عمومی میدانی برای گردهمایی افراد برای مشارکت در گفت و گوهای باز و علنی در خصوص نیازهای همگانی‌شان است. این حوزه نقشی اساسی در کنترل و نیز مشروع‌سازی قدرت سیاسی داراست و در آن افراد از رهگذر مفاهمه، ارتباط و استدلال مبتنی بر تعقل، جهت‌گیری‌های هنجاری‌ای را در پیش می‌گیرند که بر فرآیند اعمال قدرت دولت، اثرگذار است. از جمله خصایص این عرصه آن است که افراد خصوصی و شهروندان رایارای آن است که بی‌اجبار و اضطرار در خصوص مسائل محل علاقه یا مصالح عمومی به گفت و گو بپردازند. پاسخ به پرسش‌هایی از این قبیل که آزادی، عدالت، برابری، عقلانیت و جز آن چیست، تنها در حوزه عمومی هر جامعه‌ای ممکن است داده و پذیرفته شود. (بشیریه، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۷) در این عرصه برخی اصول به عنوان ضرورتی برای تحقق گفتمان مطرح شده است:

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱/۳/۱۸.

۱. هیچ شخص ذینفعی نباید در بحث از آن کنار گذاشته شود.
 ۲. مشارکت‌کنندگان به یک اندازه حق ابراز عقیده دارند؛ در واقع هرکس به طور بالقوه حق حضور و مشارکت در این فضا را دارد و در این حوزه کسی را بر دیگری برتری و امتیازی نیست. (انصاری، ۱۳۸۴، ص ۲۲۵).
 ۳. همه افراد از درون آزاد هستند که عقیده صادقانه خود را بدون تدلیس یا خودفربیی بیان کنند.
 ۴. بفرمایند گفتار نبایستی هیچ‌گونه اعمال زوری صورت گیرد. (هابرماس، ۱۳۹۵، ص ۷۸)
- حوزه عمومی جدا و مستقل از دولت - نه همانند روابط شخصی و خانوادگی - خصوصی است و نه قلمرو اقتدار دولت و محتوم به خشونت دولت است؛ بلکه فضا و عرصه‌ای اجتماعی و حوزه فکر، استدلال و زبان عقلانی، منطقی و انتقادی درباره امور عمومی، خیر و مصلحت مشترک است که در آن شهروندان در شرایطی برابر و عاری از هرگونه دخالت‌های دولت‌ها از رهگذر تبادل دیدگاه‌ها و مفاهیم درباره امور عمومی و خیر و منافع مشترک، مجموعه‌ای از رفتارها، مواضع و جهت‌گیری‌های ارزشی و هنجاری را ایجاد و تصمیم‌گیری می‌کنند. (نوذری، ۱۳۸۱، ص ۴۶۶)
- این مسئله از آن روی در حج به بهترین نحو تحقق پذیر است که تضمین‌های لازم برای گردهمایی و اجتماع افراد خصوصی به منظور تبادل نظر فراهم شده تا بتوانند آزادانه به یکدیگر بپیوندند. در واقع اموری که در سپهر عمومی حج مطرح می‌شود، ضرورتاً بایستی با علایق عمومی ارتباط داشته باشد و در این سپهر عمومی افراد در وضعیتی آزاد، دور از تحمیل‌ها و اجبارها، امر عمومی را بحث و نظریات یکدیگر را ارزیابی کنند و به یک توافق گروهی واقعی بر اساس استدلال برتر بر سر خیر جمعی برسند. افزون بر این اصل «برابری افراد در حوزه عمومی» کاملاً در حج مشهود است؛ به نحوی که چه در ظاهر و چه در رفتار، هریک از حجاج بدون در نظر گرفته شدن مقام و منزلت و ملیت در

سطحی برابر با دیگران به حوزه عمومی دسترسی دارند و از سویی این گفت و گو می تواند قدرت حکومت های مختلف در جهان را تحت تأثیر قرار دهد.

امام خمینی علیه السلام با اشاره به سپهر عمومی قدسی در حج از دخالت و ممانعت دولت ها در حج و به تعبیر فئودالی شدن این سپهر عمومی، انتقاد کرده و می فرماید:

اگر دولت های اسلامی واقعاً به خود می آمدند...، این دولت ها وسایلیش را فراهم می کردند و ملت هایی که می رفتند آنجا با دست باز با هم ملاقات می کردند، با هم دردهای بلاد خودشان را [در] میان می گذاشتند، گرفتاری هایی که از قدرت های بزرگ برای آنها پیش می آمد و پیش می آید طرح می کردند، گفت و گومی کردند و برمی گشتند به محال خودشان و تبلیغ می کردند مسائل را اگر دولت ها، دولت هایی بودند که توجه داشتند به این مسائل و نمی خواستند که زیر بار قدرت های بزرگ باشند و می فهمیدند لذت اینکه یک حکومت بریک جامعه بیدار از یک حکومت بریک جامعه ای که هیچ خبر از هیچ چیز ندارد بهتر است.^۱

در جای دیگری ایشان با توجه به فضیلت ها و برتری های نسبی سپهر عمومی قدسی حج نسبت به سایر مصادیق این حوزه می فرماید:

مثل حج هیچ قدرتی نمی تواند درست بکند؛ هیچ قدرتی. همه ممالک اسلامی و سران ممالک اسلامی جمع بشوند که نیم میلیون جمعیت را یک جایی ببرند، موفق نخواهند شد، با خرج های فلان، با تبلیغات فلان... باید در این اجتماعات، گویندگان، نویسندگان همه بلاد مسلمین در آنجا مسائل اسلام را، مسائل مسلمین جهان را [بگویند، بنویسند]. گرفتاری هایی که دارند مسلمین؛ از دست کی گرفتاری دارند؛ با آن باید چه بکنند؛ دولت هایی که با مسلمین چه می کنند باید با او چه بکنند. کوشش کنند در وحدت

۱. سخنرانی امام علیه السلام در جمع خطیبان مذهبی در آستانه ماه محرم، ۱۳۵۹/۸/۱۴.

کلمه؛ کوشش کنند در اینکه مطلب را همه یکی قرار بدهند.^۱

مرحوم امام در جای دیگری تعبیر «قیام ناس» در آیه شریفه را همسوبا مضمون سپهر عمومی بکار برده و اساساً فلسفه حج را همین امر دانسته‌اند:

باید بررسی از اوضاع مسلمین در هر سال بشود که مسلمین در چه حال هستند، بین خودشان با حکومت‌ها چه وضعی است، بین حکومت‌ها با قدرت‌های شیطانی دیگر چه وضعی است، بین خود ملت‌ها با خود ملت‌ها چه وضعی است، بین روحانیانی که در بلاد متفرقه مسلمین هستند با وضع حج چه وضعی دارند. اینها اموری است که باید به آن رسیدگی بشود و... حج برای این است که مشکلات یک سال مسلمین را بررسی کنند و در صدد رفع مشکلات برآیند.^۲

درباره «استدلال برتر ناظر به خیر جمعی مسلمین» در گردهمایی حج مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

یک جنبه دیگر، تبادل تجربیات با یکدیگر است. خیلی از کشورهای اسلامی تجربیاتی دارند؛ فرض بفرمایید ملت ایران، تجربه‌ای دارد در مواجهه با دشمن، در شناسایی دشمن، در اعتماد نکردن به دشمن، در اشتباه نکردن [در شناختن] دوست از دشمن. ... ما سی و پنج‌شش سال است که این تجربه را داریم که باید داخل آحاد ملت اتحاد و اتفاق وجود داشته باشد... این تجربه‌ها منتقل بشود.^۳

نتیجه‌گیری

در پاسخ به مسئله نوشتار نباید حج به عنوان عبادتی فردی و فارغ از آثار اجتماعی،

۱. سخنرانی امام علیه السلام در جمع هیئت فاطمیون تهران، ۱۳۵۸/۷/۴.

۲. سخنرانی امام علیه السلام در جمع روحانیان کاروان‌های حج و مسئولان وزارت ارشاد، ۱۳۶۲/۵/۲۵.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان برگزاری حج، ۱۳۹۴/۵/۲۱.

خصوصاً در حوزه حقوق بشر، فهم شود. بلکه مبتنی بر اندیشه امامین انقلاب می توان آن را پیشرانی مؤثر و تعیین کننده در ساحت حقوق عمومی و نیز حق ها و آزادی های عمومی در گستره ای فراتراز «حاجیان» و «کشورهای اسلامی» در سطح بشر دانست. از جمله حق های امکان پذیر از رهگذر «حج به مثابه یک ظرف و راهبرد عملی تحقق حقوق بشر» می توان به حقوق فرهنگی، حقوق نسل سوم (خصوصاً حق بر صلح)، حوزه عمومی و مشارکت در تعیین سرنوشت و نیز آزادی بیان سیاسی و اجتماعات، الغای تمیز میان ابنای بشر، عدالت بین نسلی و رویکرد پایدار و فرامرزی و توسعه همزیستی مسالمت آمیز اشاره کرد.

در واقع حج دارای ظرفیت های بالقوه و شدنی و نیز ظرفیت های بالفعل و موجودی است که از رهگذر آن می توان به تحقق حق های عمومی و بشری امید داشت. در حقیقت با توجه به تفکیک حق های ماهوی و حق های رویه ای که دومی مقدمه ای برای اعمال حق های گروه نخست است، مناسک حج افزون بر اینکه ذاتاً و ماهیتاً اعمال برخی حق ها (از جمله آزادی بیان و حق بر مشارکت در عرصه فرهنگی است) زمینه برخی از حق ها را نیز فراهم می سازد؛ از جمله حق بر برابری و حق بر همزیستی مسالمت آمیز.

این نتایج حج را از تلقی صرف «مناسک» و «نمایشی» خارج کرده و به آن کارکرد حقوق بشری می بخشد؛ همچنان که در تحلیل نسبت این نوع ادبیات دینی امامین انقلاب با محصول کلی حقوق بشر گفتنی است:

اولاً ماهیت ادبیات دینی مطرح شده در این نوشتار از نوع «فرهنگ سازی در حوزه حقوق بشر و نیز تصحیح تلقی نادرست از حج» و در همین راستا ترسیم الزامات مدیریتی حج است. این در حالی است که حقوق بشر عمدتاً فاقد بُعد فرهنگ سازی تنها در قالب اسناد و اعلامیه ها تبلور یافته و در بین تابعان «درونی» نشده است.

ثانیاً حقوق بشر غالباً به عنوان ساحتی عاری از تضمینات اثربخش فهم می شود؛

اما ادبیات دینی هم از رهگذر وجوب حج زمینه ساز حقوق بشر و نیز قراردادن برخی ابعاد اجرایی حق های بشری در زمره ارکان صحت حج، قرن ها پیش تراز نظام موضوعه حقوق بشر، در تحقق حقوق بشرگام های مهمی برداشته است. همچنین حج نوعی تعهد مثبت به منظور همکاری های بین المللی و ملل اسلامی برای تحقق حقوقی، مانند حقوق همبستگی، است. این در حالی است که در غرب، سردادن «شعار حقوق بشر و آزادی» موازی و همزمان با حرکت های استعماری در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بوده است.^۱ اما حج ظرفیتی برای کاستن از فاصله میان «حرف و ادعا» تا «عمل» در حمایت از حقوق بشر است که بارها همین فاصله در کشورهای مدعی حقوق بشر، مانند اروپا و آمریکا، محل انتقاد مقام معظم رهبری بوده است.^۲

در این میان پاکدستی ملل مسلمان و عمده دولت های اسلامی در حوزه حقوق بشر می تواند ظرفیت راهبردی حج را بستری برای همسویی شعار و عمل حقوق بشری قرار دهد؛ آن هم در روزگاری که «پرچم حقوق بشر را کسانی به دست گرفته اند که خودشان بزرگترین ناقض حقوق بشرند!»^۳

البته ماهیت حق های عمومی مطرح شده در این نوشتار به نحوی است که رویه مقابل آن ادعا و تکلیف بردولت میزبان حج است؛ از جمله آنکه با امنیتی شدن حج، مانع از آزادی بیان در قالب مراسم براثت از مشرکان نشوند و زمینه گفت و گوی در قالب «حوزه عمومی» را با فاصله گیری از «فتو دالی شدن حوزه عمومی» در اثر دخالت حاکمیتی فراهم و با گفتمان صلح ساز حج زمینه فصل تعارض ها و اختلاف های تنش زای میان کشورهای اسلامی را فراهم کنند.

۱. رک: بیانات مقام معظم رهبری: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷

۲. رک: مجموعه بیانات ایشان در تاریخ های: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷؛ ۱۴۰۲/۱/۱۶؛ ۱۴۰۲/۱/۱۴؛ ۱۴۰۱/۳/۱۴؛ ۱۴۰۱/۱۲/۱۰؛ ۱۴۰۰/۱۲/۱۰؛ ۱۳۹۸/۵/۲۲؛ ۱۳۸۰/۱/۲۸؛ ۱۳۸۲/۱۱/۱۹

۳. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۱/۱.

شایان ذکر است بایستی برنامه ریزی دولت های زائر فرست و دولت میزبان به نحوی باشد که حج را از معنای واقعی آن تهی نساخته و حج را به صورت بندی واقعی و بایسته مبتنی بر الزامات شریعت اسلام نزدیک کند. از جمله آنکه به دلیل نبود سازمان منطقه ای حمایت از زیارت و نیز فقدان اسناد و قواعد منطقه ای در زمینه حقوق گردشگران مذهبی هم به سیاست گذاری و تهیه اسناد مشترک با شرکت ذینفعان (کشورهای اسلامی) اهتمام ورزیده شود و هم از طریق واسپاری صلاحیت تنظیم گری زیارت با توجه به الزامات حقوق بشری گفته شده یک سازمان منطقه ای ذی صلاح ایجاد شود که واجد دو کارکرد باشد: نخست صلاحیت «تقنین» پیوست های حقوق بشری قوانین اداره حج و حرمین و دوم به عنوان «ناظر» بر اجرای حقوق بشر و کارکردهای اصیل حج در این حوزه.

فهرست منابع

۱. ابن حمزه، محمد بن علی (۱۴۰۸)، الوسيلة الى نيل الفضيلة، قم، کتابخانه مرعشی، ط ۲.
۲. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۳)، مروری بر روابط ایران و عربستان در دو دهه اخیر، تهران، تبلیغات اسلامی.
۳. اکبرپور، ساجده و همکاران (۱۴۰۰)، «حقوق همبستگی و نقش آن در شکوفایی نسل سوم حقوق بشر»، مجله حقوق پزشکی، ویژه نامه نوآوری حقوقی، ص ۱۱۸.
۴. بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، تاریخ اندیشه های سیاسی در قرن بیستم: لیبرالیسم و محافظه کاری، تهران، نی، چاپ دوم.
۵. تقی، صاحب (۱۳۶۷)، الوجه الآخر لاحداث مكة الدائمة، تهران.
۶. جعفریان، رسول و خسروی، محمدعلی (۱۳۷۱)، با کاروان ابراهیم در سال ۷۱، تهران، مشعر.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، چاپ اول.
۸. حلبی، علی بن حسن (۱۴۱۴)، اشارة السبق الى معرفة الحق، قم، انتشارات اسلامی، ط ۲.
۹. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸)، موسوعة الامام الخوئی. قم، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی، ط ۲.
۱۰. دخیل، علی بن محمدعلی (۱۴۲۲)،

۲۰. عسکری، پوریا و همکاران (۱۳۹۷)، «مسئولیت حقوقی بین‌المللی دولت عربستان در فاجعه منای ۱۳۹۴ و سازوکارهای پیگیری آن» پژوهشنامه حج و زیارت، سال ۳، شماره ۱، ۱۳۴-۱۰۷.
۲۱. فرومن، میشل (۱۳۸۲)، «حمایت از آزادی و برابری»، ترجمه علی اکبرگرگی، حقوق اساسی، شماره ۲.
۲۲. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۴)، «توسعه قلمرو و تضمین محدودیت: آزادی بیان در آیین حقوق بشر معاصر»، تحقیقات حقوقی، دوره ۸، شماره ۱۳۴.
۲۳. قطحانی، فهد (۱۹۸۸)، صراع الاجنحة فی العائلة السعودية، لندن.
۲۴. کاشانی، ملافتح‌الله (۱۴۲۳ق)، زبده التفاسیر، قم، بنیاد معارف اسلامی، چاپ دوم.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۰)، کافی، قم، دارالحدیث.
۲۶. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۰۶)، قواعد فقه، تهران، نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم.
۲۷. محلی، جلال‌الدین (۱۴۱۶)، تفسیر الجلالین، بیروت، مؤسسه النور، چاپ اول.
۲۸. مظاهری، حسین (۱۳۸۹)، احکام اقتصادی اسلام در مورد زمین، قم، مرکز مدیریت حوزه قم، چاپ ۱.
- الوجیز فی تفسیر کتاب الله العزیز، بیروت، دارالتعارف، چاپ دوم.
۱۱. راعی، مسعود (۱۳۹۵)، حج و حقوق بشر، قم، مشعر، چاپ ۱.
۱۲. رمضان، روح‌الله (۱۳۸۰)، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشرنی.
۱۳. زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی، تهران، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
۱۴. شریفی اشکوری، الیاس (۱۳۸۹)، منتخب فقرات فقهیه، قم، چاپ ۱.
۱۵. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۳ش)، الخصال، ترجمه احمد فهری، تهران، اسلامیة، چاپ ۱.
۱۶. صاحب‌جواهر، محمدحسن (۱۴۰۴)، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ط ۷.
۱۷. صادقی‌تهرانی، محمد (۱۳۶۵ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، الأملی، قم، دارالثقافة، ط ۱.

4. Rivero, Jean (1978). "Sur Le droit au développement", UNESCO, UN Doc. 55 78/Conf./630/Supp.2
5. RM Cover, "The Supreme Court, 1982 Term Foreword: Nomos and Narrative" [1983] 97 Harvard Law Review 4, 8.
6. Schauer, Frederick (1982). free speech: a philosophical enquiry, cambridge univ press.
7. Smolla, rodney, nimmer (2011). melville b., smolla & nimmer on freedom of speech, m. Bender.
8. Beck U and Sznaide N (2010). 'Unpacking cosmopolitanism for the social sciences: a research agenda' 61:1 The British Journal of Sociology 381393.
9. Weston, Burns. H (1984). "Human Rights, Human Rights Quarterly", Vol 6, 257283.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۲)، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۰. نوزری، حسینعلی (۱۳۸۱)، بازخوانی اندیشه‌های هابرماس، تهران، نشر چشمه، چاپ اول.
۳۱. هابرماس، یورگن (۱۳۹۵)، دگرگونی ساختاری حوزه عمومی، کاوشی در باب جامعه بورژوازی، ترجمه جمال محمدی، تهران، افکار.
۳۲. هاشمی، محمدعلی (۱۳۹۶)، حج و حقوق بین الملل، قم، مشعر.
۳۳. هاشمی، محمدعلی (۱۴۰۰)، «آموزه‌های حج و مسئله ارتقای دیپلماسی»، حج و زیارت، سال ۶، شماره ۱۴، ص ۱۲۵-۱۴۷.
1. Baker, c.edwin (1978). "scope of the first amendment freedom of speech", ucla l. Rev., vol25.
2. Cass, ronald a (1987). "the perils of positive thinking: constitutional interpretation and negative first amendment theory", ucla l. Rev., vol34.
3. Dinstein, Yoram (1976). "Collective human rights of peoples and minorities", International and Comparative Law Quarterly, Vol. 25, 102103